

اکتبر می پرسد



مردم از کنار "روزه سیاسی" ملی مذهبی های کردستان رد میشوند

مصاحبه با رحمان حسین زاده
اکتبر:
نهادی تحت نام سازمان "حقوق بشر" کردستان اعلام کرده در رابطه با دستگیریها و اعمال فشارها ی اخیر جمهوری اسلامی و در آستانه "سالگرد جمهوری مهاباد" در کردستان دست به اقدام اعتراضی زده و اعلام "روزه سیاسی" کرده است. شما این حرکت را چگونه می بینید؟
رحمان حسین زاده:

به نظر من این، اقدام اعتراضی نیست، بلکه یک مانور سیاسی برای هدفی بیربط به "حقوق بشر" و
ادامه ص ۳



برنامه یکی از برگزار کنندگان فستیوال سخنرانی کرد و سپس قطعنامه فستیوال آدم برفیهای شهر مریوان قرائت شد. حصار با کف زدن این قطعنامه را تایید کردند. فستیوال آدم برفیها بعد از سه ساعت و نیم تجمع باشکوه به پایان رسید.

کمیته کردستان حزب حکمتیست برگزاری فستیوال آدم برفیها را در شهر مریوان به همه سازماندهندگان و دست اندرکاران و حاضرین در این حرکت باشکوه صمیمانه تبریک میگوید. برگزاری این حرکت انسانی و پافشاری بر حقوق کودکان و نسلهای آینده جامعه، نشان دهنده گسترش حرکت انسانی و آزادیخواهانه ای است که میتواند آینده جامعه را شکل دهد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۲۵ دی ۱۳۸۵ - ۱۵ ژانویه ۲۰۰۷

برگزاری با شکوه فستیوال آدم برفیها در مریوان

همچنانکه در اطلاعیه خبری به اطلاع رساندیم، فستیوال آدم برفیها در شهر مریوان برگزار شد. امروز نوبت به ۲۵ دی به دعوت فعالین دفاع از حقوق کودکان از ساعت دو بعد از ظهر تا پنج و نیم بیش از هزار نفر در محوطه هتل زریبار واقع در مسیرشهر مریوان- زریبار تجمع کردند. فستیوال آدم برفیها با ابتکارات دست اندرکاران و حاضرین جشنواره ای مملو از ارزش گذاری انسانی و احترام به حقوق کودکان و دوستی و محبت و شور و شادی حضار را به خود گرفته بود. بر روی پلاکاردهای قرمز رنگ نوشته شده بود: "ما خواهان نیای شاد برای کودکان هستیم. شادی حق مسلم کودکان است". ویا " هر گونه بهره کشی و استثمار از کودکان ممنوع". علاوه بر پلاکاردهای مورد اشاره بر روی دهها تراکت در دست کودکان و حضار بر حقوق انسانی و مسلم کودکان تاکید شده بود. در بخشی از برنامه، در میان شور و شوق کودکان و حضار آلمهای برفی را درست میکردند و سرود شادی میخواندند. در بخش دیگری از

اعلام "روزه سیاسی" ربطی به مبارزه در دفاع از حقوق انسان ندارد

سازمان "حقوق بشر" در کردستان در اطلاعیه ای روزهای ۲۸ تا ۳۰ دی ماه را ظاهرا در اعتراض به فشارها و دستگیریهای اخیر در شهرهای کردستان "روزه سیاسی" اعلام کرده است و همزمان این حرکت را به "سالروز جمهوری مهاباد" و آنچه این اعلامیه روز "ملی" مینامد، وصل کرده است. حزب دمکرات کردستان ایران نیز طی اطلاعیه ای از این تصمیم استقبال کرده است.

فشار و تضيیقات جمهوری اسلامی علیه مردم چنان ابعاد وسیع و غیر قابل تحملی پیدا کرده است که طیف متنوع نوم خرداییهای سابق و نمایندگان سابق و امروزی مجلس در کردستان، ناسیونالیستها و سنی گراهای متعهد به قانون اساسی جمهوری اسلامی
ادامه در ص ۲

در صفحات دیگر

قطع نامه فستیوال آدم برفی ها - مریوان. صفحه ۲

شعار نویسی در چهار محله شهر مریوان. صفحه ۳

کمکهای مالی به کمیته کردستان

اتحاد کارگری علیه بیکاری ضروری شده است مظفر محمدی. صفحه ۴

حقوق و منافع کودکان، به حرکت ملیونها انسان آزادی خواه و برابری طلب در سراسر جهان وصل نماید.

به مناسبت این حرکت باشکوه و نوین در فضای سیاسی و اجتماعی شهر مریوان به همه سازماندهندگان و شرکت کنندگان آن صمیمانه تبریک میگویم و خود را در شادی این روز و تلاش برای متحقق ساختن حقوق کودکان و زندگی شایسته انسان شریک و سهم میدانیم و این مناسبت را به کودکان شادباش میگویم.

۲۷ دی ۱۳۸۵ - ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷

شرکت نموده و در خیابانهای بخش غربی شهر بسمت محوطه هتل زریبار براه افتادند.

این حرکت با شکوه که به دفاع از حقوق مسلم کودکان سازمان یافته بود، توانست با اظهار وجود علنی و حرکت خود در خیابانها، کل سیما و فضای شهر را غرق در شادی کند و به همراه خود جمعیت زیادی را در این مراسم و اجتماع انسانی شریک نماید. این فستیوال با شکوه، ضمن ارائه یک قطعنامه بشدت انسانی و حمل دهها پلاکارد و تراکت رانیکال جلو چشم همگان، پرچم دفاع از حقوق کودک را رسماً و علناً دربر این شهر به اهتزاز در آورد و از این طریق تلاش و کوشش بر حق خود را برای تثبیت



پیام صالح سرداری و عبدالله دارابی به مناسبت فستیوال آدم برفیها در شهر مریوان

روز ۲۵ دیماه ۱۳۸۵ مردم شهر مریوان شاهد برگزاری فستیوال با شکوهی بودند که جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰ نفر با حمل دهها پلاکارد و تراکت مزین به شعارهای مشخص و انسانی به دفاع از حقوق کودک در آن



متشکل در نهادهایی چون "فراکسیون کرد مجلس"، "جبهه متحد کرد" و سازمان "حقوق بشر" کردستان و غیره نیز زبان به اعتراض گشوده اند و بعد از ۲۷ سال جنایت و نسل کشی این رژیم به سبک و شیوه منطبق با مناسبات خود و رژیم اسلامی به گوشه محدودی از اعمال فشار جمهوری اسلامی معترضند.

اما مردم کردستان تاریخ و سابقه و سنت ۲۷ ساله دیگری از مبارزه حد و انقلابی با جمهوری اسلامی را پیهمه و هم اکنون دارند ادامه میدهند. کارگران، زنان و جوانان و دانشگاهیان و مردم محلات و شهرها همگام و همدوش با مردم در سراسر ایران در تمام دهه های اخیر درگیر مبارزات سخت و پیگیری علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از انسانیت و آزادی و برابری بوده و هستند.

در دل این مبارزات بی امان همواره تلاش جبهه انسانیت و چپ و رادیکال جامعه بر این بوده است که روشهای مبارزاتی و شعارها و مطالبات جنبشهای اجتماعی عاری از رنگ و بوی مذهبی و قومی و تفرقه افکنانه باشد. نمونه های این روشهای رادیکال و انسانی و فارغ از قوم و نژاد و جنس و مذهب در تاریخ مبارزات کارگران و زنان و جوانان در کردستان بسیار زیاد و درخشانند.

به عنوان نمونه همین اعتصابات مکرر کارگری امسال، مراسمهای ۸ مارس و ماه مه باشکوه و همایشها و فستیوالهای متعدد و انسانی در دفاع از حقوق زنان و کودکان، اعتراضات دانشجویی و مطالبات و بیانیه دانشجویان در ۲۳ آذر و در تاریخ ۲۷ ساله اخیر بیانیه های کارگری در اول مه ها، صدای برابری طلبی زنان در ۸ مارس ها، اعتصاب عمومی در اعتراض به سرکوبگریهای رژیم، دفاع از حقوق کودک و حفظ حرمت انسانی کودکان در فستیوالهای کودکان ... همه و همه گویای این حقیقت اند که در این مبارزات و روشهای انسانی مبارزه، نشانی از تفرقه قومی و مذهبی و جنسی و "سنی گری و کردایه تی" و غیره نیست. بنا به این تجارب و حقایق بی برو برگرد، میتوان گفت که فراخوان "روزه سیاسی" به عاریت گرفته شده از دیدگاه مذهبی و فرهنگ جمهوری اسلامی، نه تنها در قالب هیچکدام از این روشهای مبارزاتی که مبنایش انسان و حقوق انسان و آزادیخواهی است نمیگنجد، بلکه نقطه مقابل آن و متکی به امیال قومی و مذهبی و فرهنگی و محاسبه گریهای سیاسی بی ربط به سرنوشت مردم، توسط گردانندگان آن است. اعلام "روزه سیاسی" آنهم به عنوان پیش درآمد به اصطلاح "روز ملی" و در دل آن محدود کردن اعتراضشان به

دفاع از کارمندان "سنی و کرد" و از این قبیل به روشنی نشان میدهد، دغدغه گردانندگان این حرکت بر خلاف تبلیغاتشان، مسئله "حقوق بشر" و پامال شدن حقوق مردم و ... نیست. بلکه بسیار ناشیانه دستشان را رو میکنند و نشان میدهند که این "بیزنس" ناسیونالیستها و تلاش برای قالب کردن "روز ملی" است. این واقعه ربطی به مبارزه و سنت انسانی و آزادیخواهی بی قید و شرط کارگران و زنان و جوانان و مردم معترض در کردستان ندارد. ناسیونالیستها کرد، میخواهند بین نوم خرداد شکست خورده و دوم بهمن "روز ملی" شان پلی ایجاد کنند. این پل از پیش مخروبه است. نمیتوان یک پای خود را در دم و دستگاہهای رژیم و پای دیگر را آنهم تحت نام "روز ملی" و "کردایه تی" و "سنی گری" و غیره به مبارزات مردم گشاند. مردم کردستان این را از ناسیونالیستهای همکار رژیم در فراکسیون کرد مجلس اسلامی و کردهای مقیم مرکز و جبهه و شعبه و شاخه های "حقوق بشر" کرد و غیره نمیپذیرند.

جنبشهای اجتماعی کارگران و زنان و جوانان و دانشجویان و فرهنگیان و مدافعان حقوق کودک و دیگر اقشار مردم خواهان آزادی و حقوق انسانی خویشند، شیوه و روشهای مبارزاتی متفاوت خود را دارند. جنبش رادیکال و

انقلابی روشهای بسیار موثری را در دل مبارزات جاری ارائه کرده و به تجربه عمومی تبدیل کرده اند. جنبشهای اجتماعی در کردستان به مثابه حلقه ای محکم از یک جنبش سراسری به وسعت ایران، برای آزادی و برابری تلاش مستمری دارند. تکه تکه کردن صفوف مردم و جنبش آنها به هر بهانه ای و مهر قومی و مذهبی زدن بر آن، خاک به پاشیدن به چشم مردم است. این کار به هر بهانه ای و با هر شعاری از جمله مبارزه با اختناق و برای آزادی... علیه منافع مردم است. منافع جنبشهای اجتماعی در کردستان در گرو کنار زدن هر گونه قید و بند و شائبه قومی و مذهبی و ارتجاعی بر چهره جامعه است. روشهای انسانی و راه سر راست تری برای اعتراض علیه جمهوری اسلامی و فشارها و تضییقات آن در کردستان و سراسر ایران در همین دوران حاضر تجربه شده و ادامه دارد. مردم آزادیخواه کردستان به شیوه و سنت اعتراضی موثر، سازمانیافته، تعرضی و متحدانه خود علیه جمهوری اسلامی متکی هستند و به آسانی از کنار "روزه سیاسی" و مانورهای پاسیو ابراز ناراضی متقابل با مصالح ملی، مذهبی های کردستان رد میشوند.

#### کمیته کردستان حزب حکمتیست

۲۷ دی ۱۳۸۵

۱۷ ژانویه ۲۰۰۷

۸-سرقت و خرید و فروش کودکان محکوم است.

۹-ممنوعیت تنبیه بدنی و اعمال فشار روانی و ارعاب علیه کودکان.

۱۰-تامین مهد کودک های مجانی؛ مدرن و مجهز برای همه کودکان.

۱۱-منع خشونت علیه کودکان.

۱۲-حقوق کودکان را به رسمیت بشناسیم و دنیای شاد و زیبا برایشان بسازیم

کمیته برگزاری فستیوال آدم برفی ها میروان- زمستان ۸۵

شرکت کنندگان در فستیوال آدم برفی ها

کلون دفاع از حقوق کودکان-میروان

۲-تامین سلامت؛ بهداشت و درمان رایگان برای همه کودکان.

۳-آموزش و پرورش رایگان و تامین مسکن با استاندارد بالا برای همه کودکان

۴-تامین مسکن رفاه و امکانات برای کودکان خدایاتی و بی پناه.

۵-تامین یک زندگی شایسته انسانی برای کودکان ناقص العضو و ناتوان ذهنی.

۶-مقابله قاطع با هر نوع تجاوز و هر گونه سواستفاده از کودکان در سرتاسر جهان.

۷-رفع اعمال هر نوع تبعیض بین کودکان دختر و پسر.



قطع نامه فستیوال آدم برفی ها - میروان

ما اعلام می کنیم هیچ ملاحظه اقتصادی؛ فرهنگی؛ ملی و سیاسی بر منفعت کودک ارجح نیست و خواهان تامین یک زندگی شاد و خلاق برای کودکان در سرتاسر جهان هستیم به همین مناسبت برای شادی کودکانمان از هیچ تلاشی دریغ نمی کنیم. این فستیوال برای کودکان؛ سرشار از شادی و نشاط است آنها خوشحال و شادان دست در دست هم؛ همصدا می شوند. خانواده ها؛ پسر و جوان؛ کودک و نوجوان آمده ایم بازی و شادی گروهی عزیزانمان را نظاره کنیم روزی که کودکان به درو از هر گونه تبعیض رویاها و دنیایشان یکی می شود. آمده ایم

بگویم حق و حقوق کودک باید رعایت شود. کودکان نیز به حمایت دارند و از ما زندگی بهتری خواهند ما شرکت کنندگان در این فستیوال مطالبات خود را بشرح زیر اعلام می داریم.

۱- ممنوعیت کار برای کودکان زیر ۱۸ سال.

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



بیربط به دستگیریهای اخیر در کردستان است. بعدا به آن برمیگردم. علاوه بر آن "روزه سیاسی" را در جامعه تشنه آزادی و خلاصی از قیود اسلامی، اقدام اعتراضی نامیدن، یک دهن کجی بزرگ به سنت اعتراضی جا افتاده مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی است. مردم کردستان از اعتراض و اقدامات اعتراضی آن حرکتی را استنباط میکنند که جمهوری اسلامی و مقامات او را زیر فشار بگذارد، به مصاف طلبد، به عکس العمل و عقب نشینی وادارد و آنها را در موقعیت بهتری در مقابل رژیم قرار دهد. من میپرسم "روزه سیاسی" روشی به عاریت گرفته شده از خود جمهوری اسلامی که قرار است عده ای را چند ساعتی در روز به گرسنگی و آزار جسمی فردی و یا تظاهر به گرسنگی بکشد، کدام مرجع و مقام جمهوری اسلامی را زیر فشار میگذارد؟ یا به مصاف میکشد؟ چرا جمهوری اسلامی باید در مقابل آن عقب بنشیند؟ این روش پاسیو، بیربط به اعتراض واقعی و حقوق مردم و بی تاثیر در مقابل جمهوری اسلامی است. سنت و سابقه مبارزات مردم ابعاد و ابتکارات متنوع به خود گرفته است. تظاهرات ۲ هفته قبل مردم سفر و ابراز وجود یک هفته قبل گارد آزادی در کامیاران و فستیوال آتم بر فیهی ۳ روز قبل مریوان و تجمع اخیر کارگران نساجی کردستان تنها نمونه هایی از هزاران تجربه مبارزاتی کارگران، زنان و جوانان و مردم علیه جمهوری اسلامی است. روزه سیاسی در فرهنگ مبارزاتی مردم جامعه و اعتراض برحق ۲۷ ساله نه تنها جایی نداشته است، بلکه به عنوان روشی مذهبی و برگرفته از جمهوری اسلامی منموم است. این اقدام واضح است اقدام اعتراضی نیست، هیچ فشاری به جمهوری اسلامی وارد نمیکند و تاثیری

هم بر روند کاهش قدریهای جمهوری اسلامی نمیگذارد. بلکه مانور سیاسی است در خدمت هدفی دیگر که دست اندرکاران در اطلاعیه شان حاشیه ای به نام "گرامیداشت سالگرد جمهوری مهاباد" و "روز ملی" از آن نام برده اند. "روزه سیاسی" یکی از بازار گرمیهای ناسیونالیستها برای قالب کردن پدیده ای خرافی به نام "روز ملی" به جامعه کردستان است. کارگر و مردم زحمتکش و صف آزادیخواه مردم با طبقات دارا و نوم خردانیهای سابق کردستان و مهره های دیروز و امروز پارلمان جمهوری اسلامی، کسانی که در تحویل ۲۷ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی شریک مستقیم بوده و با حزب بورژوازی کرد، حزب دمکرات روز مشترکی ندارند. روز ملی دروغ بزرگ و تحمیلی بر جامعه است و ما کارگران و آزادیخواهان باید از کنار آن رد شویم. در مطلبی مستقل در این مورد توضیحات بیشتری خواهم داد.

اکتبر:

**حزب دمکرات کردستان از این حرکت حمایت کرده است. چرا؟**

**رحمان حسین زاده:**

حزب دمکرات اگر حمایت نمی کرد جای سوال بود. البته یکی از حزب دمکراتها از آن حمایت کرده است (اکنون دو تا حزب دمکرات هست) دلیلش روشن است. حزب دمکرات و اینها سرورته یک کرباسند. واضح است ملی مذهبی های قانونی و نوم خردانیهای سابق در کردستان، "نمایندگان" دیروز و امروز در مجلس اسلامی، جبهه و نهاد و انجمن های ناسیونالیستی مجاز و منعهد به قانون اساسی جمهوری اسلامی همگی شاخه های مختلف جنبش ملی کردند. حزب دمکرات و اینها اهداف و افق مشترک دارند و اکنون روشها و شیوه های مبارزاتی مشترکی را هم پیدا میکنند.

همدیگر را تقویت و حمایت میکنند و با معمول بودن معاملات و بند و بستهای معمول در جنبش ملی کرد، دارند نان به هم به قرض میدهند و هوای همدیگر را دارند. به این دلایل حزب دمکرات از آنها حمایت میکند. اما همین افشاگر ماهیت حزب دمکرات و جنبش ملی کرد است که بخشا یاران و متحدانشان کسانی چون بها اب و جلالی زاده و بهمنش و ... نهادها زیر نفوذ آنها هستند که در تحویل حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی نقش انکار ناپذیر داشته اند. کسانی که در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی باید جویگوی اعمالشان در دانشگاههای مردمی باشند، از هم اکنون فکری به حال خود کرده اند و به زعم خود در دوره دیگری اینبار در قالب کار بنست آتی حزب دمکرات کردستان علیه مردم خواهند بود. سناریویی که در همین دوره حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق بکرات و در میان تنفر مردم اجرا شده است. آیا جامعه و مردم آگاه در کردستان ایران اجازه تکرار چنین سناریویی را خواهد داد؟ ما و مردم از آزادیخواه نباید بگذاریم.

اکتبر:

**عکس العمل مردم در مقابل این حرکت چگونه خواهد بود؟ و چکار باید بکنند؟**

**رحمان حسین زاده:**

این را همین روزها مردم با عمل خود باید جواب دهند. تصور میکنم عموم مردم توجه جدی به این حرکت نخواهند داشت. سطح مبارزه مردم آزادیخواه کردستان علیه جمهوری اسلامی بسیار با سابقه تر، پیشرفته تر و مبتکرانه تر از اقدام غیر موثر و مذهبی گونه طرفداران تازه از خواب بیدار شده "حقوق بشر" در کردستان است. زمانی که نه تنها "حقوق بشر" بلکه خود بشر در کردستان با مرگ و نابودی فیزیکی و نسل کشی و اعدام دسته جمعی و صحرایی امثال قتل عام

های مخوف خلخالی و همپالگه های آن در سالهای منید روبرو بودند، مردم در کردستان در دفاع از خود و جان و زندگی شان تظاهرات، تحصنهای بزرگ، اعتصابات، جنگ انقلابی را سازمان داده اند. ابتکارات انقلابی را به هر محله و شهر و کارخانه و دانشگاه و اماکن عمومی و به میان اجتماع مردم کشانده اند. اتحاد و تشکل ایجاد کردند. همایشها و فستیوالهای شوکوند در دفاع از حقوق زنان و کودکان سازمان داده اند. جشنهای روز کارگر درخشان و تعطیلی عمومی را سازمان داده اند. سنت و ابتکار رادیکال و انقلابی را به بخش لاینفک تحرک مبارزاتی تبدیل کرده اند. در چنین فضایی و چنین تجاربی بعید است "روزه سیاسی" محدود به دفاع از زندانیان "کرد و سنی" جایگاهی در میان مردم داشته باشد. منکر این نیست که بخش معینی از متوهمان به ناسیونالیسم و حزب دمکرات به آن توجهی داشته باشند، ولی این در حاشیه روند مبارزاتی آزادیخواهانه مردم کردستان است. و در خاتمه این تکه پلانی اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست را تاکید میکنم که نوشته شده است:

"منافع جنبشهای اجتماعی در کردستان در گرو کنار زدن هر گونه قید و بند و شائبه قومی و مذهبی و ارتجاعی بر چهره جامعه است. روشهای انسانی و راه سر راست تری برای اعتراض علیه جمهوری اسلامی و فشارها و تضيیقات آن در کردستان و سراسر ایران در همین دوران حاضر تجربه شده و ادامه دارد. مردم آزادیخواه کردستان به شیوه و سنت اعتراضی موثر، سازمان یافته، تعرضی و متحدانه خود علیه جمهوری اسلامی متکی هستند و به آسانی از کنار "روزه سیاسی" و مانورهای پاسیو ابراز نارضایتی متناسب با مصالح ملی، مذهبی های کردستان رد میشوند"

<p><b>کمکهای مالی به کمیته کردستان</b></p> <p><b>کمکهای جمع آوری شده توسط عزرا آلمی (آباجی)</b></p> <table border="1"> <tr> <td>سارا</td> <td>۵۰</td> <td>کرون سوئد</td> </tr> <tr> <td>مکتون</td> <td>۵۰</td> <td>کرون</td> </tr> <tr> <td>ع.فاطمه</td> <td>۵۰</td> <td>کرون</td> </tr> <tr> <td>فنگ</td> <td>۱۰۰</td> <td>کرون</td> </tr> <tr> <td>سحر و سیاه</td> <td>۱۵۰</td> <td>کرون</td> </tr> <tr> <td>س.س</td> <td>۵۰</td> <td>کرون</td> </tr> <tr> <td>عد</td> <td>۵۰</td> <td>کرون</td> </tr> </table>	سارا	۵۰	کرون سوئد	مکتون	۵۰	کرون	ع.فاطمه	۵۰	کرون	فنگ	۱۰۰	کرون	سحر و سیاه	۱۵۰	کرون	س.س	۵۰	کرون	عد	۵۰	کرون	<p><b>کمکهای جمع آوری شده توسط اسد گلچینی</b></p> <p><b>با همکاری کمیته تشکیلات بریتانیای حزب (از محل برگزاری جشن)</b></p> <p>۳۰۰ پوند</p> <p><b>جمال کمانگر ۲۰۰ پوند</b></p> <p><b>آسو گوران ۱۰۰ دلار</b></p>	<p><b>مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست</b></p> <p><b>شعار نویسی در چهار محله شهر مریوان</b></p> <p>شب گذشته ۲۴ دی ماه ۱۳۸۵، یک واحد تبلیغی حزب حکمتیست، ۴ محله شهر مریوان به نامهای تازه آباد، محله بلچه سوری ها، محله کونه نیو و محله ابوبکر صديق را تحت پوشش تبلیغی خود قرار داده و به شعار نویسی در اماکن عمومی و بر روی دیوارهای این محلات اقدام کردند. شعارهای زنده باد آزادی و برابری، زنده باد حزب</p> <p>حکمتیست، زنده باد گارد آزادی و زنده باد رهبران کمونیست و محبوب مردم مریوان بر سیمای این بخش از شهر نمایان بود. این آکسیون تبلیغی بیش از یک ساعت بطول انجامید و با موفقیت به پایان رسید.</p> <p>کمیته کردستان حزب حکمتیست به سازماندهندگان این حرکت، به کسانی که پیام آزادی و برابری را به میان مردم میبرند، درود میفرستد و خسته نباشید میگوید.</p> <p>۲۵ دی ۱۳۸۵ - ۱۵ ژانویه ۲۰۰۷</p>
سارا	۵۰	کرون سوئد																					
مکتون	۵۰	کرون																					
ع.فاطمه	۵۰	کرون																					
فنگ	۱۰۰	کرون																					
سحر و سیاه	۱۵۰	کرون																					
س.س	۵۰	کرون																					
عد	۵۰	کرون																					
<p><b>مرگ بر جمهوری اسلامی!</b> <b>زنده باد جمهوری سوسیالیستی!</b></p>																							



مظفر محمدی

### اتحاد کارگری علیه بیکاری ضروری شده است!

شهرهای کردستان و بخصوص شهر سنندج کماکان شاهد تلاش کارگران برای احقاق حقوقشان است.

کارگران اخراجی و بیکار و یا کارگرانی که ماههاست حقوقشان پرداخت نشده است، به عناوین مختلف از قبیل تجمع در کارخانه، تجمع در جلو ادارات کار و استانداری دست به اعتراض میزنند.

- کارگران اخراجی نساجی کردستان، شاهو و آلمین دو هفته متوالی است که در جلو اداره کار و استانداری تجمع کرده و خواهان اجرای خواستههایشان هستند. این کارگران خواستار بازگشت به کار و پرداخت بیمه بیکاری هستند و نمیخواهند زیر بار ترفندهای رژیم مبنی بر پرداخت وام و غیره بروند.

- کارگران شرکت شیر پاستوریزه سنندج با تجمع در کارخانه خواستار پرداخت حقوق معوقه ۶ ماه خود هستند.

- همزمان تعدادی از کارگران در سنندج در اعتراض به ارائه خدمات محدود از جانب سازمان تامین اجتماعی مشغول تهیه تومار اعتراضی و ارائه پیشنهادات خود مبنی بر انجام تعهدات این سازمان در مقابل بیمه شدگان هستند.

- کارگران کارخانه نساجی بوکان با تجمع و مراجعات مکرر به مسوولان و مدیریت کارخانه خواستار پرداخت سه ماه حقوق معوقه شان هستند هر جا صحبت از افزایش دستمزد، حتی پرداخت بواقع دستمزدها و یا دیگر حقوق و مزایای کارگری میشود، کارفرما انگشت به طرف کارگران اخراجی و بیکار دراز

کرده، کارگران شاغل را از اخراج و بیکارسازی میترساند و ادار به سکوت میکند. این حقیقت ساده و آشکار نشان میدهد که کارگر چه شاغل و چه بیکار منافع مشترکی دارند و سرنوشتشان کماکان به هم گره خورده است.

تجارب تا کنونی نشان داده است که مبارزات کارگران اخراجی و بیکار بدون ارتباط و بدون حمایت کارگران شاغل کمتر نتیجه بخش بوده است. کارفرماها و دولت به محض اینکه کارگران را از مکان قدرتشان میبرند و به بیرون پرتاب میکنند، دیگر حاضر به شنیدن اعتراض و حق خواهیشان نیستند. چرا که کارگر اخراجی و بیکار دستش به جایی بند نیست و حربه اعتصاب و فلج کردن کار و فشار آوردن به کارفرما را از او گرفته اند. بخشی را از بخش دیگر کنند و به خیابانها ریخته اند و آنها را توسط ادارات کار و نهادهای دولتی دیگر مانند استانداری و غیره سر میخوانند. نهایتا این کارگران هر کدام به دنبال راه نجات فردی و پیدا کردن کاری اینجا و آنجا میگردند و متفرق میشوند.

راه کمک به کارگران اخراجی و بیکار پیوستن کارگران شاغل به مبارزه آنها و حمایت از آنها تا بازگشت به کار و یا اجرای خواستههایشان است.

تصور کنید که اگر کارگران شاغل نساجی کردستان خواهان بازگشت به کار همکارانشان باشند و کارفرما را تهدید به دست کشیدن از کار کنند آنوقت کارگران اخراجی این کارخانه در خیابانها تنها نمیمانند و خود را در کارخانه و میان همکاران، و همسرنوشتانشان احساس میکنند.

در ابعاد وسیعتر، اتحادی کارگری علیه بیکاری لازم است. بیکاری مشکل امروز کارگران اخراجی نساجی کردستان و شاهو و یا دیگر بیکاران میدانهای کار نیست. خطر اخراج و بیکاری مدام بر بالای سر طبقه کارگراست. تنها ضامن جلوگیری از تهدید و موج اخراجها و تضمین امنیت شغلی اتحادی از کارگران شاغل و بیکار است. کارگر شاغل نمیتواند و نباید دستش را به کلاه خود بگیرد و فکر کند که

حالا او بهر حال شغلی دارد. تجارب اقتصاد ورشکسته ایران و بحران لاعلاج این بخش، نشان داده است که در هیچ شعبه و کارخانه و شرکتی امنیت شغلی وجود ندارد. راه نجات شغلهای کنونی از طریق سازمان دادن اتحادی از تشکل و مبارزه در صفوف کلیه کارگران شاغل و بیکار است.

اعتصاب و تهدید به تعطیل کردن کار کمر کارفرما را خم میکند و او را مجبور به سر فرودآوردن در مقابل خواستههای کارگران میسازد. حمایت از کارگران اخراجی بهر شکل ممکن از جمله اعتصاب و خواست بازگشت به کارشان تضمین حفظ اشتغال کارگران شاغل کنونی هم هست. با این کار هم در واقع امنیت شغلی خود را تامین و هم همکارانمان را بسر کار برگردانده و یا خواستههایشان را بر آورده میکنیم

نباید گذاشت کارفرماها با شقه شقه کردن کارگران و تقسیم آنها به شاغل و بیکار، هم اشتغال کنونی را دایما در معرض تهدید و خطر فروپاشی قرار دهد و هم بخشی از کارگران را تماما بیحقوق کرده و بیکار و بی درآمد در خیابانها رها کرده و خانواده های کارگری را متلاشی کند.

در هر جای دنیا وقتی در مقاطعی گفته میشود که میزان بیکاری چند درصد یا حتی دهم درصد بالا رفته هر کارگری شاعلی احساس خطر و عدم امنیت شغلی میکند. برعکس وقتی اعلام میشود که میزان بیکاری پایین آمده همه نفس راحتی میکشند و کارگران شاغل احساس امنیت میکنند. بنا بر این مساله بازگشت به کار، یا تامین شغل جدید و یا بیمه بیکاری برای کارگران بیکار خواست کل طبقه کارگر است. بیکاری امر کل طبقه کارگر است. تنها اتحادی از بیکاران و کارگران شاغل که قدرت این را دارند چرخهای کارخانه ها را خوابانند میتواند خطر بیکاری را بر بالای سر طبقه کارگر بردارد یا حداقل تقلیل دهد. اگر کارگر بیکار تا بازگشت به کار و یا تا گرفتن کار جدید بیمه بیکاری مکفی دریافت کند، خطر بیکاری تا این اندازه که هست ویرانگر و فلاکت بار نیست.

فعالین و رهبران کارگری که تا دیروز در کارخانه مبارزات کارگران را هدایت میکردند و امروز بیرون افتاده اند و همه فعالین و رهبران کارگری که هنوز زیر سقف کارخانه ها و شرکتها هستند باید دستشان را به همدیگر بدهند.

اتحادی کارگری از کارگران شاغل و بیکاری ضروری شده است. وگرنه این هنوز آغاز تعرض بیشتر دولت و کارفرماها به کارگر و اخراج و بیکارسازیهای بیشتر به بهانه های مختلف است. پیش بینی میشود که به بهانه تحریم اقتصادی سیر ورشکستگی بخشهای بیشتری از تولید و صنایع و سلب مسئولیت کردن کارفرماها از خود و فرستادن کارگران بیشتری به صف لشکر بیکاران در راه باشد. خطر فلاکت بر بالای سر جامعه است. اتحادی کارگری پایدار شامل همه کارگران شاغل و بیکار در سطح یک شهر و منطقه لازم شده است. باید برای آن اقدام کرد.

دستیار سردبیر:

[esmail.waisi@gmail.com](mailto:esmail.waisi@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان:

[husienzade\\_r@yahoo.com](mailto:husienzade_r@yahoo.com)  
Tel:0046739855837